

بهنام قاسمی

کاهش قیمت‌نفت وهمزمانی آن بابرسی لایحه‌بودجه سال آینده در مجلس به دغدغه اصلی دولت، مجلس و بسیاری از اقشار جامعه تبدیل شده است، به طوری که برخی از صاحبنظران سال ۹۴ را سال سختی برای مردم و دولت عنوان می‌کنند و معتقدند که همچنان ر کود حاکم بر بازار کسب و کار ادامه خواهد داشت. دکتر میثم موسایی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و رئیس انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران معتقد است که عملانفت در رشد و توسعه اقتصادی ایران نقشی ندارد و دولت‌فعلی با محافظه‌کاری که در پیش گرفته، بعید است که بتواند مشکلاتش را حل کند و دل‌یلش هم این است که دولتمردان اعتقادی به اقتصاد مقاومتی ندارند، اما در عین حال به بهبود اوضاع اقتصادی به شرط حذف درآمدهای نفتی از بودجه سنواتی و توسعه صنعت گردشگری، صرفه‌جویی دولت و توسعه صادرات خوش‌بین است. گفت‌وگوی «جوان» را با دکتر میثم موسایی، استاد دانشگاه و اقتصاددان در خصوص تأثیر کاهش قیمت نفت بر شاخص‌های کلان اقتصادی بخوانید.

■ ■ ■

در دولت گذشته، مدام از فرصت‌بودن تحریم‌ها سخن گفته می‌شد، اما با آغاز دولت یازدهم ورق برگشت وبسیاری از مشکلات اقتصادی بر دوش تحریم‌ها افتاد، اکنون نیز ماه‌هاست که با کاهش قیمت نفت مواجه‌شده‌ایم و دولتمردان نیز مانند گذشته از بهبود وضعیت اقتصادی خبر می‌دهند. بفرمایید کاهش قیمت نفت و تداوم آن چه اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدتی بر اقتصاد ایران خواهد داشت؟

اقتصاد ایران وابسته به نفت است و مهم‌ترین محصولی که در بازارهای جهانی حضور دارد، نفت است و این کالا مهم‌ترین منبع تأمین ارز برای کشور محسوب می‌شود،از این رو کشور ما برای دستیابی به رشد اقتصادی به ارز قابل توجهی نیاز دارد، بخش صنعت برای تأمین مواد اولیه به کالاهای واسطه‌ای و وارداتی وابسته است و برای تولید برخی از کالاها نیز به واردات تکنولوژی و ماشین‌آلات صنعتی نیاز داریم و به طور کلی بخش تولید و صنعت ایران به شدت به ارز وابسته هستند.

در برخی موارد تا ۷۰ درصد صنایع ما به خارج وابسته‌اند و اگر از مورد نیازشان تأمین نشود، تولید این کالاها و رشد اقتصادی نیز به خطر می‌افتد، در نهایت به تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی می‌انجامد. بنابراین اقتصاد ایران کاملاً به نفت وابسته است، البته مفهوم این سخن این نیست که اقتصاد ما بالقوه و بدون نفت نمی‌تواند اداره شود. ظرفیت‌های بسیار بالایی در اقتصاد وجود دارد که می‌تواند جاي خالی دلارهای نفتی را بگیرد.

احتمالاً منظور تان توسعه صادرات کالااست،

متأسفانه در این سال‌ها کشورهای هدف

کاهش یافته وبسیاری از تولیدات داخلی قابل

عرضه در بازارهای صادراتی از نظر کیفیت و

قیمت نیستند. لطفاً در این خصوص توضیح

دهید.

یکی از بخش‌هایی که کمتر به آن توجه شده، توسعه گردشگری و جذب توریسم خارجی است که می‌تواند ارزآوری داشته باشد و در عین حال صنعت پاک و پایدار محسوب می‌شود. بر خلاف منابع نفت و گاز و انرژی که روزی به پایان می‌رسد، اگر این صنعت رونق بگیرد، هرگز تمام‌شدنی نیست و اگر منابع جذب توریسم را احیا کنیم، هر سال بیش از گذشته توریسم جذب می‌کنیم و طبیعی است که با توسعه این صنعت، ارز نیز وارد کشور می‌شود و به عبارت دیگر یک نوع صادرات کالا محسوب می‌شود. از دیدگاه اقتصادی، ورود گردشگر با صادرات کالا تفاوت ندارد و در تراز بازرگانی خارجی، اثرات مثبتی به دنبال خواهد داشت و در واقع با جذب توریسم، ارز مورد نیاز برای توسعه صنایع کشاورزی و خدمات تأمین خواهد شد.

بنابراین می‌بینید که ظرفیت‌ها بسیار بالاست. در ایران بیش از یک میلیون مسکن قابل عرضه به گردشگران خارجی در کشور وجود دارد که فقط ۳۰ هزار تاز آنها ثبت شده و اگر تمامی آثار تاریخی شناسایی و به دنیا معرفی شود، سهم مهمی در جذب گردشگری خواهیم داشت. ایران در مقایسه با کشور ترکیه که تقریباً از نظر شرایط منطقه با ایران برابر است و کشور توسعه‌یافته‌ای نیست، از جذب توریسم بسیار عقب‌است. ایران از نظر آثار باستانی و فرهنگی چیزی کم ندارد و جزو ۱۰ کشور اول دنیاست، اما انتهایی در جذب توریسم ندارد. ترکیه بیش از ۲۰ میلیارد دلار سالانه درآمد حاصل از جذب گردشگران دلار هم نمی‌رسد، یعنی یک چهل‌م، تقریباً ۲۵ درصد آنچه در ترکیه اتفاق افتاده است.

البته کشورهای توسعه‌یافته مانند فرانسه و اسپانیا، سالانه حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار درآمد جذب توریسم دارند.

اما جذب توریسم و افزایش در آمد از این محل نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی دارد تا برای بازدیدکنندگان خارجی جذابیت داشته باشد، اما در شرایط فعلی دولت پولی برای سرمایه‌گذاری ندارد و بخش خصوصی هم حاضر به این کار نیست؟

اتفاقاً با ظرفیت فعلی می‌توان بیش از پنج برابر توریسم جذب کنیم. زیرا ظرفیت هتل‌های ما در بیشتر ماه‌های سال خالی است و متأسفانه از چنین امکاناتی نمی‌توانیم درآمدزایی کنیم. دلیل استقبال اندک گردشگران این است که سیما و چهره ایران در دنیا به غلط نمایش گذاشته شده و ثبت درآمد از این صنعت در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری نمی‌خواهد بلکه کار فرهنگی عظیمی می‌خواهد که تاکنون هیچ کدام از دولت‌ها در این بخش قدمی برنداشته‌اند. به اعتقاد من، ابتدا باید دولت بحث ویزا را حل کند، کنسوری که به دنبال جذب توریسم است باید در اولین قدم اخذ ویزا را حذف کند. با حذف ویزا ورود گردشگران تا پنج برابر افزایش خواهد یافت. اما به دلایل سیاسی این مشکلات سال‌هاست که ایجاد شده و چنین ظرفیت ارز‌زشمندی بلااستفاده مانده است. نکته



شیوه مواجهه دولت با اقتصاد مقاومتی در گفت‌وگوی «جوان» با میثم موسایی، اقتصاددان

دولت به دنبال اقتصاد مقاومتی نیست

دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، افزایش صادرات

کالاهای داخلی، به‌ویژه در بخش میوه و صیفی‌جات است که از نظر بسته‌بندی و تبلیغات حضورشان در بازارهای جهانی بسیار ضعیف است و تشکل‌هایی که بتوانند صادرکنندگان را حمایت کنند، هنوز شکل نگرفته است. به عبارتی سیاست منسجم درست در این زمینه وجود ندارد. میوه‌های ایران جزو بهترین‌ها در دنیاست. کشور ما جزو کشورهای انگشت‌شمارای است که سیب‌درختی تولید می‌کند و به جای اینکه به قیمت

ارزان از کشاورز خریده یا در سرخانه‌ها فاسدشود، می‌تواند صادر شود، همچنین در تولید انگور، گردو و خشکبار مزیت‌های خوبی داریم که به آن توجهی نشده است. چون در این سال‌ها درآمد نفتی به راحتی به دست دولت آمده و می‌توانسته آزادانه هر کاری بکند و هر پروژه‌ای را با هر هزینه‌ای انجام دهد و نتیجه آن وابستگی به درآمدهای نفت شده است.

به اعتقاد من، کاهش قیمت نفت می‌تواند فرصت باشد. اگر دولت حقوق گمرکی و مالیاتی برخی از کالاهای صادراتی را حذف کند، صادرات آن رونق می‌گیرد. به عنوان مثال اگر حقوق گمرکی زعفران حذف شود، ۲۵ درصد صادرات آن رشد می‌کند و نکته سوم که در شرایط فعلی اقتصادی می‌تواند راهگشا باشد کوچک‌سازی و صرفه‌جویی در هزینه‌های فعلی دولت است. اکنون که درآمد حاصل از فروش نفت کاهش یافته، دولت باید از خودش شروع کند و با حذف دستگاه‌هایی که بهرعموری ندارند، هزینه‌ها را کاهش دهد، در عین حال نفتی که صادر می‌کردیم با اینکه قیمت آن نصف شده، پولش وارد کشور نمی‌شود و باز هم مانند گذشته قرار است به جای ورود ارز، کالا وارد شود؛ بنابراین در حال حاضر عملانفت در رشد توسعه اقتصادی نقشی ندارد. از این رو اکنون فرصتی است برای دولتمردان که اقتصاد بدون نفت را پایه‌گذاری کنند.

آیا حذف یارانه مرهقین می‌تواند راهگشا باشد؟

بله حذف یارانه‌های افراد ثروتمند می‌تواند در کاهش هزینه‌های دولت کمک کند و این اقدام در بخش سوم صحبت‌هایم در راستای صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت جای می‌گیرد. اکنون دولت سالانه ۴۰ هزار میلیارد تومان و به‌عبارتی ۱۳ میلیارد دلار یارانه نقدی مستقیم به استثنای یارانه‌های غیرمستقیم به مردم می‌پردازد.

کاهش قیمت نفت می‌تواند شاخص‌های صنعت و

کاهش قیمت نفت می‌تواند کمک بسیاری در افزایش سطح درآمد مردم انجام دهد که هر دو وظیفه دولت‌هاست که باید انجام دهند، در آن صورت دولت برنامه واقعی خواهد داشت. باید دولت روی اقتصاد کار کند، برای رشداشتغال و ثبات اقتصادی برنامه مشخصی داشته باشد و... اگر این اتفاق بیفتد و دولت مجبور شود

حالا اگر این پول صرف‌فوق، پیشنها مشخص من این است که درآمدهای نفتی از بودجه سنواتی دولت حذف شود. به طور کلی دولت‌ها نباید مسئول خرج کردن درآمدهای نفتی باشند. طبیعی است که وقتی هزینه درآمدهای حاصل از فروش نفت در اختیار دولت قرار گیرد، این پول بدون منطق اقتصادی هزینه می‌شود.

به نظر شما بر اساس چه استدلالی، کاهش قیمت نفت می‌تواند به نرخ رشد اقتصادی و صنعت معدن شود؟

کاهش قیمت نفت می‌تواند شاخص‌های صنعت و معدن و... را رشد دهد، اما اینکه آمار ۴ درصد نرخ رشد اقتصادی یا ۱۰ درصد معدن و... درست‌است قاعدتاً باید مورد بررسی قرار گیرد. با نگاهی به آمارهای اقتصادی درمی‌یابیم، در کشور ما رشد اقتصادی با نفت همیشه

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۸۴۲۸

از متخصصین استفاده کند مانند بقیه دولت‌ها، مسیری را می‌رود که با اخذ مالیات از مردم بتواند هزینه‌هایش را جبران کند و ناچاراً هدف دولت رشد اقتصادی واقعی خواهد بود و این بدون حذف درآمد نفت امکان‌پذیر نخواهد بود.

به نظر می‌رسد دولت هنوز آمادگی چنین جراحی عظیمی را ندارد؟ نظر شما چیست؟

اداره اقتصاد کشور بدون نفت نیاز به جراحی عظیم دارد. ساختار دولت باید تغییر کند و کوچک شود، اصلاحات ساختاری در مدیریت و اقتصاد و قوانین نیاز داریم و همه اینها با هم معنا پیدا می‌کنند.

اگر آن هدف اتفاق بیفتد، دولت مجبور است به این سمت برود اینطور هم نیست که هر کشوری که نفت دارد، چنین سرنوشتی در انتظارش است. مثلاً نرخ نفت دارد و درآمدهای نفتی از بودجه دولت جداسست و پول نفت برای آیندگان ذخیره‌سازی می‌شود و درآمدشان نیز چندین برابر فروش نفتشان است. اما در ایران نفت را دولت جزو ملک خودش تلقی کرده و جزو انفال است و متأسفانه در اختیار دولت می‌باشد. دولتی که معلوم نیست همیشه افرادش دی‌صلاح باشند و در این درآمدها دخل و تصرف کنند و این موضوع ربطی به دولت فعلی ندارد. دولت فعلی با محافظه‌کاری که از خودش نشان داد، من بعید می‌دونم که بتواند متأسفانه مشکلاتش را حل کند و در این راه قدمی بردارد. دل‌یلش هم این است که اینها اعتقادی به اقتصاد مقاومتی ندارند.

حالا اگر این پول صرف ایجاد شغل و افزایش درآمد

اداره اقتصاد کشور بدون نفت، نیاز به جراحی عظیم دارد. ساختار دولت باید تغییر کند و کوچک شود، اصلاحات ساختاری در مدیریت و اقتصاد و قوانین نیاز داریم و همه اینها با هم معنا پیدا می‌کند

کتر از رشد اقتصادی بدون نفت بوده است. وقتی درآمدهای نفتی حذف شود، صنعت و تولید رشد می‌کند. اما این به معنای آن نیست که «جی‌ام‌پی» کل رشد پیدا کرده است. در واقع به دلیل کاهش قیمت نفت، دولت از طرق مختلف مانند بهبود تکنولوژی، مدیریت با کمک مالی و حمایت از تولید و صنعت توانسته به این بخش کمک بیشتری کند و اوضاع بهبود یابد و البته رشد شاخص صنعت و معدن به معنای آن نیست که «جی‌ام‌پی» و سطح درآمد مردم هم رشد پیدا کرده است.

حالا اگر این پول صرف ایجاد شغل و افزایش درآمد مردم شود، می‌تواند کمک بیشتری به اقتصاد کشور قابل حذف‌نشده، اما دولت متأسفانه این کار را در یک سال و نیم گذشته انجام نداده است و به اصطلاح در اجرای قانون هدفمندی کوتاهی کرده است. البته تمل در حذف یارانه مرهقین در ادامه همان سیاست‌های پوپولیستی است که در سال‌های گذشته پیگیری شده و تداوم یافته است و از شروع به کار دولت تدبیر تاکنون به‌رغم شناسایی ۱۰ میلیون نفر از مرهقین یارانه بگیر، هنوز حاضر نشده که این یارانه را حذف کند.

آیا در خواست داوطلبانه از مردم برای انصراف اقدام درستی بود؟

خیر، دولت باید اعلام می‌کرد، نیازمندان به کمیته امداد مراجعه و تقاضای دریافت یارانه کنند، طبیعی است که در آن صورت به خودی خود، بسیاری از مرهقین از مراجعه به کمیته امداد خودداری می‌کنند و به راحتی از لیست دریافت‌کنندگان حذف می‌شوند. در غیر این صورت اتخاذ سیاست‌های غیر کارشناسی نمی‌تواند در این بخش و کاهش هزینه‌های دولت راهگشا باشد. به هر حال با این چهار ابزاری که صرفه‌جویی دولت در رأس آن قرار دارد، توسعه صادرات غیرنفتی و سیاستگذاری در راستای توسعه صنعت توریسم و حذف سوبسیدی مرهقین می‌تواند به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی کمک کند. البته این روند باید استمرار یابد، نه اینکه با افزایش قیمت‌نفت، این سیاست‌ها متوقف شود. علاوه بر موارد فوق، پیشنهاد مشخص من این است که درآمدهای نفتی از بودجه سنواتی دولت حذف شود. به طور کلی دولت‌ها نباید مسئول خرج کردن درآمدهای نفتی باشند. طبیعی است که وقتی هزینه درآمدهای حاصل از فروش نفت در اختیار دولت قرار گیرد، این پول بدون منطق اقتصادی هزینه می‌شود.

به نظر شما بر اساس چه استدلالی، کاهش قیمت نفت می‌تواند به نرخ رشد اقتصادی و صنعت معدن شود؟

کاهش قیمت نفت می‌تواند شاخص‌های صنعت و معدن و... را رشد دهد، اما اینکه آمار ۴ درصد نرخ رشد اقتصادی یا ۱۰ درصد معدن و... درست‌است قاعدتاً باید مورد بررسی قرار گیرد. با نگاهی به آمارهای اقتصادی درمی‌یابیم، در کشور ما رشد اقتصادی با نفت همیشه



جوان

اقتصاد ما ر کود توری است و به تنهایی با اتخاذ سیاست‌های انقباضی حل نمی‌شود و باید به دنبال سیاست‌های درآمدی برویم، در واقع باید عرضه و تولید کل افزایش یابد و بتوانیم نیاز داخل را تأمین و صادرات را رشد دهیم.

البته اگر مذاکرات به نتیجه نرسد و تغییر عمده‌ای در اوضاع اقتصادی نخواهیم داشت و ر کود مسکن و بورس ادامه‌دار خواهد بود.

پس در آن صورت درآمدهای مالیاتی دولت محقق نمی‌شود و سال آینده با کسری بودجه خواهد بود؟

بله، بخشی از مالیات را نمی‌تواند دریافت کند. چون تعداد زیادی مالیات نمی‌پردازد، اما اگر دولت اصلاح مدیریتی داشته باشد، امکان وصول مالیات تأثیری فراهم خواهد شد و راهکارهایی که گفتم مشکلات کمتر خواهد شد.

اما به هر حال مشکل اساسی اقتصاد ایران ساختاری است و اگر نخواهیم مشکلات را ریشه‌ای حل کنیم باید ساختارها را اصلاح کنیم که فکر می‌کنم دولت فعلی چنین جسارتی ندارد.

در اقتصادهای غیرنفتی، تأثیر تورم بر بودجه کشور چندان مخرب نیست، زیرا بخش اعظم درآمدهای دولت از محل مالیات تأمین می‌گردد. حال اگر به دلیل تورم (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و دستمزدها) هزینه‌های دولت افزایش یابد، مالیات‌ها نیز به درصد ثابتی از قیمت‌ها و درآمدها هستند، به همان نسبت افزایش خواهد یافت و مشکل جادی پیش نخواهد آمد.

حال اقتصادی را فرض کنید که نیمی از درآمد دولت از طریق مالیات و نیم دیگر از طریق درآمد حاصل از صدور نفت تأمین می‌شود. در این حالت، اگر به دلیل تورم هزینه‌های دولت ۴۰ درصد افزایش یابند، گرچه مالیات‌ها نیز ممکن است ۴۰ درصد افزایش یابند، اما از آنجا که درآمدهای مالیاتی تنها نیمی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد، درآمد دولت تنها ۲۰ درصد افزایش می‌یابد و به تبع آن با کسری بودجه روبه‌رو خواهد شد که تبعات ترمی مضعافی را ایجاد خواهد کرد. بنابراین، گسترش پایه مالیاتی و قطع وابستگی بودجه به درآمدهای حاصل از فروش نفت بهترین راه قطع کردن دور باطل تورم و کسری بودجه در اقتصادهای نفتی است و استفاده از صندوق ذخیره ارزی تنها یک مسکن است، مگر آنکه منابع حاصل از آن بتوانند به سرعت تبدیل به سرمایه‌گذاری و افزایش سریع تولید و درآمدهای مالیاتی شود.

به نظر من قیمت نفت را نمی‌توان پیش‌بینی کرد اما نباید هم خوش‌بینانه در این‌باره تصمیم گرفت. از بودجه ۹۳ درس بگیریم. پیش‌بینی بازار نفت



سخت است. بحران ارزی در سال‌های اخیر و عدم نقل و انتقال پول به کشور نشان داد که در بسیاری از نقاط اقتصادی ضعف‌های شدیدی داریم، باید برای مقاوم‌سازی اقتصاد از آموزه‌های اقتصاد مقاومتی تبعیت کنیم، دولتی‌ها باید هر چه زودتر با توجه به ادبیات اقتصاد مقاومتی تأثیر منفی کاهش قیمت نفت را به حداقل برسانند.

نظر تان در مورد قیمت نفت در بودجه سال ۹۴ چیست؟

با توجه به اینکه این روزها قیمت اوپک ۴۵ دلار شده، به عبارتی تقریباً نصف شده باید نفت از بودجه سال آینده حذف شود. حتی اگر قیمت نفت افزایش یابد، وقتی پولش در اختیار دولت ایران قرار نمی‌گیرد و بلوکه می‌شود باید دورش خط بکشیم و باید به فکر طرحی بودجه بدون نفت باشیم.

نظر کافی برای تدوین بودجه جدید نیست؟

بله، انتظار می‌رفت که دولت در سال جاری، بودجه متفاوت‌تری به مجلس ارائه کند و حتی اگر قیمت نفت ۵۰ دلار پیش‌بینی شود، باز هم غیر واقعی است. به نظر من فروش نفت روزانه یک میلیون بشکه به فرض قیمت ۵۰ دلار که ۵۰ میلیون دلار به صورت روزانه می‌شود، رقم قابل توجهی برای اقتصاد ما نیست و باید راه‌های دیگری برای تأمین ارز در صنعت و کشاورزی داشته باشیم. حتی دولت می‌تواند روی صادرات نیروهای کار بر نامه‌ریزی کند. در حال حاضر تحسیرکله ده‌ها در انتظار کار هستند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این بخش نقش کلیدی دارد.

شما چه نمره‌ای به عملکرد اقتصادی دولت می‌دهید؟

از ۲۰ نمره ۱۴ نمره می‌دهم. چون مشکلاتی که دولت با آن روبه‌روست، به تنهایی از سوی دولت قابل حل نیست. مشکل تحریم‌ها که اگر تحریم‌ها برداشته شود قطعاً انتظارات بیشتری خواهیم داشت.